

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرکه، سرماخوردگی، آنتی‌بیوتیک و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.



مهناز افشار هم ماورایی شد

شهروند | مهناز افشار که در جشنواره امسال اول بار با فیلم ناگهان درخت نتوانست توجه زیادی را به خود جلب کند، ایفای نقشش در فیلم قسم ساخته محسن تانبنده را مدیون یک انرژی ماورایی می‌داند که به کمکش آمد مهناز افشار، همچنین در پاسخ به این که قسم با چه سرنوشتی مواجه خواهد شد گفت: «من اعتقاد دارم به اندازه آدم‌های روی کره زمین سلیقه وجود دارد. یک فیلم ممکن است از دید شخصی بهترین فیلم و از نظر شخص دیگر، یک فیلم معمولی باشد. هر تعریفی درباره فیلم‌هایی که در آنها ایفای نقش کرده‌ام برایم جذاب است و هر نقدی برای من سازنده است.»

یادداشت‌های یک ۳۷ ساله

نزول بلای دوربین روی دست



علیرضا مجمع منتقد

نمی‌دانم از کی شروع شد. هر چه بود ابتدا کسانی آغازکننده این سندروم بودند که آگاهانه به این سمت رفتند: سندروم دوربین روی دست. دگما ۹۵ و فیلمسازان متفاوت نمای اروپایی بهانه‌اند برای فیلمسازان ما. بنابراین می‌توان بلد بودن فیلمسازی را به استفاده از دوربین روی دست هم مربوط دانست. به این معنا که هر کس دوربین را روی سه پایه نمی‌گذارد فیلمسازی بلد نیست؛ بی‌تعارف.

انگار سه پایه هووی بعضی از فیلمسازان ما شده است. واقعا درکش برایم مشکل است فیلمی که نیاز ندارد دوربین و زوایای پنهان و آشکارش روی دست ببندد، چرا از سه پایه استفاده نمی‌کند. سه پایه موجود باثباتی است رفقا! اگر سه پایه نبود سینمای ما که نبود هیچ، بهترین دوران سینمای کلاسیک هالیوود هم می‌رفت روی هوا. سه پایه برای ثبات چشم تماشاگر با احترام و مطمئنه به فیلمبردار این امکان را می‌دهد که به کاراکتر نزدیک شود و حس صورت بازیگر را بگیرد.

وقتی فیلمی نیاز به دوربین روی دست ندارد، اگر فیلمساز از دوربین روی دست استفاده کند عملا فیلمسازی بلد نیست. چگونه است که هر کسی می‌خواهد فیلمش کم خرج باشد و جشنواره‌های باشد، دوربین را از روی سه پایه منتقل می‌کنند به روی دست با لرزش‌های وحشتناک.

روزهای نارنجی ساخته آرشد لاهوتی نمونه این ناپیدی‌های تکنیکی است. از همان پلان اول تکان‌های وحشتناک دوربین بیشتر سرگیجه‌آور است تا یک حرکت پست مدرن. یلدا ساخته مسعود بخشی هم همین اصل را باید رعایت می‌کرد، که نکند. فیلم عملا نه قصه درگیر کننده‌ای دارد نه تکنیک چشم‌نواز. این سندروم مختص ایران هم نیست، هر فیلمبردار که دوربین دستش می‌گیرد لزوما باید به همه اثبات کند که چه آدم کاربلدی است.

پس به همین گزینش کوچک برای شناخت سواد آدم‌ها می‌شود این سوال را طرح کرد که: شما دوربین روی دست کار می‌کنید؟ اگر جواب مثبت بود قطعاً شناخت کافی از سینما ندارد. اگر جوابش منفی بود تازه به کسی برخوردید که می‌تواند فیلمساز مطرح احتمالی سال‌های آینده باشد.

جوایز امسال را چه کسانی به خانه خواهند برد؟

شانه‌های بی‌تاب برای نشستن سیمرغ‌ها

در باره فیلم‌ها و سینماگرانی که احتمالا در شب اهدای جوایز شادترین آدم‌های روی زمین خواهند بود

در یکی دوسال اخیر استاندارد تولید را در سینمای ایران بالا برده‌اند.

امسال نیز به‌سیاق روندی که از جشنواره‌های گذشته آغاز شد، فیلم‌های این موسسه به احتمال زیاد برندگان نهایی این بخش خواهند بود. فیلم‌هایی چون تختی، بیست‌وسه نفر، ماجرای نیمروز: نزدخون، شبی که ماه کامل شد و قسم که به احتمال فراوان برای گرفتن سیمرغ بخش بهترین فیلم باید با فیلم‌هایی چون طلا، متری شش و نیم و قصر شیرین رقابت کنند. طبیعی است که برنده اصلی این بخش برنده اصلی این دوروز لقب خواهد گرفت.

بهترین کارگردان

طبعاً کارگردانان فیلم‌هایی که در بخش بهترین فیلم شانس گرفتن سیمرغ را دارند، گزینه‌های اصلی دریافت سیمرغ کارگردانی نیز خواهند بود. کارگردانی چون سعید

امین فرج‌پور | در شرایطی که در آخرین روزهای جشنواره ۳۷ فیلم فجر به سر می‌بریم، گمانه‌زنی برندگان احتمالی سیمرغ‌های امسال یکی از پر بحث‌ترین مطالبی است که در روزهای اخیر در رسانه‌های مجازی و حتی کاغذی مطرح شده. فهرستی که نشان می‌دهد بعد از این همه تب و تاب و هیجان، برندگان اصلی فستیوال امسال چه کسانی خواهند بود و همای سعادت روی شانه‌های کدام سینماگران خواهند نشست.

بهترین فیلم

در این بخش منتقدان و کارشناسان بر این عقیده‌اند که رقابت اصلی بین فیلم‌هایی خواهد بود که سازمان اوج به جشنواره فرستاده. فیلم‌هایی عظیم‌تر از استاندارد معمول فیلم‌های سینمای ایران که به‌رغم تردید در نیت سازندگان فیلم‌ها نمی‌توان این موضوع را کتمان کرد که

روستایی، رضا میرکریمی، بهرام توتلی، پرویز شهبازی، محمدحسین مهدویان و ترگس آبیاری که به احتمال فراوان یکی دو نفر از جمع فیلمسازان تازه‌کار چون محسن تانبنده، همایون غنی‌زاده و نیما جاویدی نیز دیگر نامزدهای این بخش خواهند بود. به‌خصوص غنی‌زاده که با فیلم مسخره‌باز استاندارد جدیدی برای یک فیلم تجربی متفاوت بنیان نهاده و نیما جاویدی که نشان داده در سرخ‌پوست در قیاس با فیلم اولش ملبورن کیلومترها پیشرویی کرده‌است.

اما بی‌تردید برنده نهایی این بخش یکی از بین دو کارگردان فیلم‌های تختی و ماجرای نیمروز خواهد بود. یکی از بین مهدویان و توتلی که اولی در ماجرای نیمروز ۲ نشان داده تبحر تکنیکی‌اش در ساخت فیلم‌های تاریخ معاصر بدل به برگ برنده‌اش شده و البته توتلی که در

تختی نشان داده در قیاس با تنگه ابوقریب بیشتر و بیشتر به معیارهای ساخت آثار عظیم پرمخاطب آشنا شده. در این بین البته اگر ناگهان دیدید که رضا میرکریمی روی دست این دوزده و سیمرغ را ربود، تعجب نکنید.

بهترین بازیگر مرد

امسال بازی‌های خوب زیادی را در جشنواره شاهد بودیم. بازی‌هایی درخشان از بازیگرانی امتحان پس داده که سیمرغ‌های بخش بازیگری را تبدیل به یکی از دشوارترین بخش‌های بازیگری در سال‌های اخیر کرده‌اند.

در میان تمام این بازی‌های خوب اما بازی استاد علی نصیریان در مسخره‌باز مثل نگینی می‌درخشد. بازی حیرت‌انگیزی از یکی از اساتید مسلم بازیگری این دیار که گفته می‌شود به احتمال ۹۹ درصد برنده سیمرغ امسال خواهد بود. جایزه‌ای که می‌تواند جایزه‌ای برای تجلیل از یک عمر بازیگری نصیریان باشد، و البته تجلیل از فیلمی چون مسخره‌باز که در هیاهوی فیلم‌های استراتژیک موسسه اوج شاید شانس چندانی برای دیده شدن در شب اهدای جوایز نداشته باشد.

نوید محمدزاده که در دو فیلم متری شش و نیم و سرخ‌پوست به ادعان دوست و دشمن بازی درخشانی ارائه داده؛ حامد بهداد که در قصر شیرین یکی از بهترین بازی‌های کارنامه‌اش را شاهد بودیم و البته در فیلم جان دار؛ پیمان معادی برای بازی در ناگهان درخت و متری شش و نیم؛ امین حیایی برای ایفای حیرت‌انگیز نقشش در فیلم در خونگه سعید آقاخانی برای ادامه راهش در انتخاب نقش‌های جدی در فیلم بنفشه آفریقایی؛ هومن سیدی در فیلم طلا؛ بهرام رادان برای بازی در سسونامی و ایده اصلی و مهرداد صدیقیان و هادی حجازی‌فر در فیلم ماجرای

این «تیغ و ترمه» فرق دارد

تغییر یک فیلم در میانه راه جشنواره!



شهروند | فیلم سینمایی «تیغ و ترمه» به کارگردانی کیومرث پوراحمد که در نخستین نمایشش در سالن رسانه‌ها با واکنش‌های چندین مهربانانه و مثبتی مواجه نشد، با مونتاژ جدید در ادامه سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر نمایش داده می‌شود.

خبرنگارانی که روز گذشته این فیلم را در سینماهای دیگر جشنواره دیده‌اند، می‌گویند که «تیغ و ترمه» کیومرث پوراحمد که در بخش سودای سیمرغ سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد، پس از بازخوردهای انتقادی از سوی مخاطبان و رسانه‌ها، از شب دوشنبه ۱۵ بهمن ماه با مونتاژ جدید و حذف ۵ دقیقه از این فیلم در سینماهای مردمی روی پرده رفته است. ظاهراً در نسخه جدید، فیلم به‌صورت خطی مونتاژ شده و فلاش‌بک‌های ۳ ماه قبل و ۳ ماه بعد را ندارد. جالب این‌که نسخه جدید

دیدن این فیلم جرم است؟!؟

همزاد حاتمی کیا، ۲۰ سال پس از آژانس

کارگردان فیلم «دیدن این فیلم جرم است» ضمن اشاره به این‌که «به‌دنبال انتقال حس وحدت ملی به مخاطب بوده» گفت: «من هیچ تصویری از حاکمیت ایران و سپاه نشان ندادم. در این فیلم برای ما مهم این بود که محدود به لباس هاشمی‌ها و به همین دلیل هم در فیلم در میان بسیجیان، چادری‌ها، سپاهی‌ها، سردارها و... دو دسته وجود دارد. سعی کردیم به مخاطب بگوییم با پیش‌فرض‌ها با این موقعیت مواجه نشوید و قضاوت نکنید. در این فیلم حس مخاطبان وحدت ملی است، اما مسأله من وحدت ملی نبود. کارگردان در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: «۲۰ سال پیش در نشست خبری «آژانس شیشه‌ای» گفتند چرا فیلم را از روی «بعد از ظهر سگی» ساخته‌اید. حالا فیلم ما را می‌گویند از آژانس شیشه‌ای ساخته‌اید، احتمالا ۲۰ سال بعد هم به فیلم دیگری می‌گویند چرا از روی فیلم «دیدن این فیلم جرم است» ساخته‌اید!»

شهروند | فیلم «دیدن این فیلم جرم است» در جشنواره واکنش‌های صفر و صدی زیادی به‌بار آورد. فیلمی شبیه به آژانس شیشه‌ای، درباره گروگانگیری یک تبعه انگلیس توسط فرمانده بسیجی که از تساهل با غرب‌شاکلی است که خیلی‌ها را به تکرار هزاران باره این ادعا که «دوره این حرف‌ها گذشته». رضاز هتایچیان، کارگردان این فیلم، اما با اشاره به این‌که «همزاد حاتمی کیا هستم» گفت: «این فیلم را به دندان کشیده‌ام تا ساخته شد.» او درباره این‌که با این همه شعار سیاسی حاکمیتی چه آینده‌ای برای فیلمش متصور است، گفت: «این فیلمنامه به بسیاری از نهادهای مربوطه ارایه شد، اما کسی قبول نکرد این فیلم را تهیه کند و تنها حوزه هنری برای ساخت فیلم موافقت کرد. احتمال اکران نشدن فیلم را می‌دهم؛ این فیلم سطح رویی‌رانشان می‌دهد، اما مشکل اصلی در عمق است.»



ترانه، گلاره عباسی و غزل شاکری سه بازیگر سرریال «شهرزاد» در یک قاب. از آن عکس‌هایی که انگار یکی کنار ترانه علیزدوستی و آن یکی بازیگره ایستاده و به عکاس می‌گوید: «ما سه‌تار و کجا می‌برین؟»



بالاخر بعد از آن همه شایعه درباره طلاق و طلاق‌کشی، ایلا حاتمی در کنار علی مصفا حاضر شد و عکس گرفت تا ملتی را از تکرار این برهاند.



انگار فرار است بهنوش بختیاری هر روز با یکی عکس بگیرد؛ به نظر تان فردا نوبت چه کسی خواهد بود؟